

# سالروز ملی شدن صنعت نفت

## در ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹

دکتر حسن گل شیرازی

بود، فراهم گردید اما کنارگیری دولت ساعد و روی کار آمدن دولت منصور و حتی قبول پست وزارت توسط رزم آرا در ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ نیز امکان تصویب لایحه قرارداد الحاقی را فراهم نکرد. به طوری که کمیسیون نفت مجلس در چهارم آذرماه ۱۳۲۸ قرارداد فوق را برای استیفای حقوق ملت ایران کافی ندانست. در همین راستا دکتر محمد مصدق نیز که رهبری جبهه ملی را داشت و از حمایت آیت... کاشانی و سایر آیات عظام و ملت ایران برخوردار بود، در مخالفت با زیاده‌خواهی قدرت توسط شاه و رفع خودکامگی، از بین بردن جو وحشت اختناق و... را خواستار شد و کم‌کم «شعار ملی شدن نفت» و طرح آن در کمیسیون نفت مورد توجه قرار گرفت که این امر در کنار لایحه قرارداد الحاقی، شکست سنگینی برای دولت رزم آرا محسوب می‌شد. علاوه بر آن، اعلام انحلال انتخابات تهران و انتخاب دکتر مصدق به عنوان نماینده اول مردم تهران و رهبری وی در مقابله با استعمار شرکت نفت و دولت‌های دست‌نشانده شرایط را بر شرکت تنگ‌تر نمود. مراجع تقلید، دکتر مصدق و نمایندگان مردم طی روزهای آذرماه ۱۳۲۹ طرح «ملی کردن نفت» را دوباره دنبال کردند و از داخل و خارج مجلس مردم را به اهمیت مبارزه‌ای که در پیش داشتند، آگاه ساختند.

با گسترش نهضت، لغو قرارداد الحاقی قطعی گردید و مجلس نیز آن را تصویب کرد. در ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹ پیشنهادی به امضای پانزده تن از نمایندگان مردم درباره ملی شدن

ارزشی معادل ۸۹۵ میلیون لیره را شامل می‌شد، فقط رقمی معادل ۱۰۵ میلیون لیره (۱۱/۷ درصد) به عنوان حق امتیاز به دولت ایران پرداخت کرد، که این رقم از ۱۷۵ میلیون لیره پرداختی به دولت انگلستان بابت مالیات یا ۱۱۵ میلیون لیره پرداختی به سهامداران به عنوان سود سهام بسیار کمتر بود و به عبارتی، درآمد مستاجر بیش از هفت برابر درآمد موجر (ایران) بود، که بدون تردید این اجحاف و تعدی نزد هر مغرضی نیز موجه جلوه نمی‌نمود و خود تاییدی بر این مدعاست که عملکرد آن شرکت هیچگاه مورد اعتماد مردم ایران نبود و این اعتقاد وجود داشت که، شرکت با حساب‌سازی، سهم نکردن ایران در درآمد خالص، تحفیف فروش به دولت انگلستان و... حقوق ملت ایران را تضییع می‌کند.

این اقدامات شرکت، بخش عمده‌ای از انتقادات و اعتراضات مردم را دربر گرفت و به تدریج زمینه‌های ناراضی‌آنان را فراهم نمود، به علاوه تسلط کامل طبقه حاکم ایران بر درآمد نفت، عدم بهره‌مندی عامه مردم از منافع آن و بی‌اعتنایی به احساسات عمومی، دست‌به‌دست هم دادند تا سیل عظیم اعتراضات و انتقادات، مبنی بر غارت و چپاول ثروت ایران توسط یک شرکت بیگانه دامنه وسیع‌تری به خود بگیرد.

با روی کار آمدن دولت ساعد در آبان‌ماه ۱۳۲۷ زمینه‌های اصلاح موادی از قانون اساسی و تصویب لایحه قرارداد الحاقی که برای رفع نقص‌های موجود در قرارداد ۱۹۳۳ تهیه شده

با آغاز قرن بیستم و ورود نفت به بازارهای جهانی تحولی شگرف در قلمرو صنعتی، نظامی و ارتباطات بین‌المللی به وجود آمد، به طوری که به عنوان یک عامل اساسی در روابط اقتصادی و سیاسی میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت، درآمد.

از طرفی شکست آلمان و متحدین آن در جنگ جهانی دوم و پیروزی متفقین، تغییرات مهمی در انتقال کانسون‌های قدرت در جهان ایجاد کرد. انگلستان که از فاتحین اصلی جنگ بود، با از دست دادن مستعمرات وسیع خود به یک قدرت درجه دو نزول کرد و اتحاد جماهیر شوروی سابق با اشغال اراضی وسیع در شرق اروپا به صورت یک ابرقدرت درآمد. ایالات متحده آمریکا نیز به عنوان نیرومندترین قدرت اقتصادی و صنعتی جهان شناخته شد و با حضور در صحنه سیاسی خاورمیانه، خواهان سهم خود از منابع بیکران نفت حوزه خلیج فارس گردید.

وقوع این حوادث، ایران را نیز از تأثیرات خود بی‌نصیب نگذاشت، زیرا دولت انگلستان برای اداره هندوستان و عظمت امپراطوری خود به نفت ایران نیاز داشت و به هر قیمتی مالکیت آن را خواستار بود و چنین شد که امتیاز نفت داری در قالب شرکت نفت انگلیس و ایران بر اداره صنعت نفت کشور حاکم گردید. اما دولت انگلیس در مقابل سود سرشاری که از تاراج منابع نفتی می‌برد، سهم ناچیزی به ایران می‌پرداخت. به عبارت دیگر، از مجموع درآمد حاصله از تولید نفت استخراج شده از ابتدای دوره امتیاز تا زمان ملی شدن نفت که

شماره ۲۰ - فوروردین ۱۳۸۴

